

بررسی نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی ایران

حمیدرضا سهرابی *

محمد جواد فرح بخش **

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

چکیده

این پژوهش با هدف شناخت جایگاه مساجد در دوران پیروزی انقلاب اسلامی بر اساس چارچوب نظری نظریه بسیج چارلز تیلی و با روش توصیفی و تحلیلی به دنبال بررسی و تحلیل نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی است. براساس فرضیه این پژوهش، مساجد سازمانهایی بود که مهمترین نقش را در بسیج سیاسی مردم در دوران مبارزات انقلابی و مقاومت هشت ساله ایرانیان در دفاع از حریم کشورشان در جنگ با جبهه استبداد و استکبار ایفا کرد. براساس یافته‌های این پژوهش، مساجد سراسر کشور در دوران مبارزات انقلابی و هشت سال جنگ تحمیلی، همواره سازماندهی نیروها را از لحاظ تامین نیرو و تدارکات پشتیبانی می‌کردند و مسجد سنگر پاسداری و تبلیغ ارزشهای جهادی و محل امر به معروف و نهی از منکر و جایگاه تعامل دین با دولت جمهوری اسلامی بوده که این مهم نشاندهنده نقش مؤثر مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی و حفظ آن بوده است. بنابراین در تمامی جنبشها و حرکت‌های اسلامی دوران معاصر بویژه در دوران مبارزات مردم با رژیم پهلوی و دوران دفاع مقدس، مساجد به نقش آفرینی پرداخت و به عنوان نهاد مدنی بومی با ارائه کارکردهای گوناگون توانست در مقایسه با سازمانها و نهادهای مدنی مدرن مانند باشگاه و احزاب سیاسی و تشکلهای کارگری و... در بسیج همگانی در پیروزی و دفاع از انقلاب اسلامی نقش بسیار مهمی ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: مساجد، سازمان روحانیت، انقلاب اسلامی، بسیج.

* نویسنده مسئول: استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی

** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی یاسوج

مقدمه

مسجد از آغاز نه تنها محل نیایش و عبادت، ذکر، وعظ و خطابه و تجمع مؤمنان در ساعات خاص بوده، بلکه محل ابلاغ احکام، دستورها و آموزه‌های دینی، جایگاه قضاوت و دادرسی، ستاد تبلیغات، و مرکزی برای رفع مشکلات مردم و بسیج عمومی در مواقع اضطرار نیز بوده است. اولین مسجد در اسلام قبا است که توسط پیامبر خاتم احداث شد. این مسجد در مقطعی از زمان رسالت آن حضرت ساخته شد که ایشان در حال مبارزه علیه مشرکان بود و در راستای تداوم این مبارزه تاریخی در آغاز ورود به مدینه به مرکزی برای قیام و جهاد علیه کفار تبدیل شد. این نقش تاریخی مساجد همچنان در طول تاریخ برای مسلمانان تداوم یافت. با توجه به شأن و جایگاه این مکان مقدس در میان مسلمانان، می‌توان گفت که این مساجد هستند که می‌توانند بیشترین نقش را در جریان مسائل مادی و معنوی مردم داشته باشند. تاریخ مسلمانان نیز بر این موضوع صحه گذاشته است و با نگاهی به حوادث و رویدادهای مهم تاریخی اسلام می‌توان آشکارا، درستی این مطلب را مشاهده کرد؛ به این ترتیب اولین پایگاه، که یکی از نقشهای اصلی آن تحول‌آفرینی بود در آغاز شکل‌گیری دین مبین اسلام توسط حضرت محمد مصطفی (ص) بنیانگذاری شد. از آن پس این نقش مهم همواره در طول حیات مسجد، ماندگار با مسجد همراه و همزاد بوده است. همه حرکت‌های اسلامی در طول تاریخ بویژه مقاومت جهادی ایرانیان تحت تأثیر نقش مسجد قرار گرفته است و پایگاه اصلی شکل‌گیری و ساماندهی بسیج عمومی مساجد بوده است. در این پژوهش نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

مسجد از نخستین نهادهایی است که در صدر اسلام و به هنگام هجرت نبی گرامی اسلام حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) از مکه به مدینه شکل گرفت. شکل‌گیری مساجد از مصداق‌های بارز جامعه اسلامی است. نقش آفرینی مساجد در تمامی عرصه‌ها و شئون جامعه اسلامی سبب توسعه و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است. مسجد علاوه بر مکان پرستش خدای یگانه، قلب تپنده و چشم تیز بین جهان اسلام و هم‌چنین اولین دریچه به سوی جامعه‌ای سالم، آرام، مرفه و خدای‌پسندانه، همواره مورد توجه مسلمانان بوده است.

مسجد مهمترین پایگاه عقیدتی، فکری و معنوی اسلام و پیوسته کانون هدایت و مبارزه علیه کفر و الحاد و ملجأ و مأمن دل‌باختگان حق و فضیلت است. چشمه زلال مبارزه و نهضت علیه باطل

در طول تاریخ از مساجد جوشیده است. مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده؛ از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده و از مسجد، حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در زیر بیرق اسلام بوده است. مسجد همواره در صدر اسلام مرکز حرکات و جنبشها بوده است.

مطالعه سیر تحولات و تاریخچه جنبشهای سیاسی، اجتماعی و حرکت‌های مردمی و انقلابی در دوره‌های گذشته بویژه تاریخ معاصر جهان، که با هدف ایجاد اصلاحات و یا دگرگونی در ساختار نظام‌های حاکم بر جوامع بشری صورت گرفته، نشانگر این است که این جنبشها همواره از خاستگاه و پایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ به عنوان نمونه؛ خاستگاه و خیزشگاه انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی زندان باستیل در شهر پاریس بوده است. در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی روسیه نیز محیط‌های کارگری، کارخانجات و جوامع دهقانی، نقش زمینه سازی و گسترش جنبش مارکسیستی را برعهده داشت. در میان مسلمانان نیز مساجد به‌عنوان مراکز آغازین شکل‌گیری انقلابها و حرکت‌های مردمی در مبارزه علیه ظلم و ستم بویژه در دوران معاصر، نقش تعیین کننده‌ای داشته است. براساس فرضیه این پژوهش؛ مسجدها سازمانهایی بوده‌اند که توانستند در غیاب سازمانهای عرفی در ایران، مهمترین نقش را در بسیج سیاسی و سازماندهی مردم در دوران مبارزات انقلابی علیه نظام استبدادی و استعماری به‌عهده گیرند؛ لذا این پژوهش قصد دارد نقش مسجد و کارکردهای آن را در پیروزی انقلاب اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

چهارچوب نظری و روش‌شناسی

چارچوب نظری این پژوهش براساس الگوی کنش اجتماعی «چارلز تیلی» طراحی شده که از مهمترین مفاهیم آن «سازمان» و «بسیج» است. البته باید گفت مفاهیم نظریه اجتماعی غربی، می‌تواند چارچوب مفهومی مقدماتی باشد. که درون آن، تحولات جوامع مسلمان تجزیه و تحلیل شود؛ با وجود این، هرگونه مطالعات جامعه‌شناختی جوامع مسلمان با عینک نظریات غربی، بدون در نظر گرفتن ویژگیهای دینی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی آنها ساده‌انگارانه خواهد بود.

سازمان، میزان «هویت مشترک» و «ساختار وحدت بخش» افراد درون هر جمعیت را شامل می‌شود. به هر میزان که این دو عنصر نیرومند باشند، سازمان قویتر است. تیلی برای توضیح این دو

مفهوم به دو عامل روابط دسته‌ای، و روابط شبکه‌ای اشاره می‌کند. روابط دسته‌ای، روابطی است که افراد را با توجه به ویژگیهای مشترک خود و دیگران شناسایی می‌کند؛ برای مثال زنان، مسلمانان و مسیحیان. روابط شبکه‌ای نیز از افرادی تشکیل می‌شود که مستقیم یا غیرمستقیم براساس روابط خاص بین فردی با همدیگر ارتباط دارند؛ مثلاً افرادی که خود را مدیون فرد خاصی می‌دانند و سعی می‌کنند در آن مراسم شرکت کنند (TILLY, 1997: 3 - 7).

بسیج شامل منابع تحت کنترل و یا در حال انباشت مدعی (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۱۵۲) و یا هم‌چنین فرایندی است که گروهی از وضعیت افراد منفعل به شرکت‌کنندگان فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شوند (TILLY, 1997: 26).

او بسیج را به سه نوع تدافعی، تهاجمی و تدارکی تقسیم می‌کند. بسیج تدافعی هنگامی است که تهدیدی از خارج، افراد گروه را به واکنش وادار می‌کند. بسیج تهاجمی به واکنش گروه اطلاق می‌شود در برابر فرصتی که نسبت به بسیج منابع به وجود آمده است. حالت سوم بسیج تدارکی با پیش‌بینی فرصت و تهدیدها در آینده به انباشت منابع می‌پردازد (هانت، ۱۳۸۶: ۲۶۳).

مساجد به عنوان سازمان با هویت مشترک وحدت بخش و روابط دسته‌ای، که همه مسلمانان به عنوان خانه‌ها خدا اشتراک عقیده دارند، می‌تواند به بسیج معتقدان اقدام، و در شرایط مختلف آنها را به کنش اجتماعی وادار فراگیر کند.

تعریف مسجد

در اصطلاح روایی، تمام روی زمین، مسجد و سجده‌گاه انسان است. رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود:

«جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ تُرَابُهَا طَهْرًا أَيْنَمَا أُدْرِكْتَنِي الصَّلَاةُ صَلَّيْتُ»: «زمین برای من سجده‌گاه و خاکش پاک‌کننده قرار داده شده است. هر جا که وقت نماز فرا رسد، همان جا به نماز می‌ایستم» (حر عاملی، ۱۳۷۰: ۴۲۳).

مسجد به معنای محل سجده، برگرفته از سجود به معنای به خاک افتادن و خضوع و کرنش کردن است. در اصطلاح، مسجد به محلی اطلاق می‌شود که جایگاه عبادت و خضوع در برابر حق تعالی است. کاربرد واژه مسجد یکی در مورد چهاردیواری خاصی است که برای عبادت ساخته، و دیگر اینکه بر اساس روایت رسول خدا مسجد به سراسر زمین اطلاق می‌گردد. چرا که همه سطح کره خاکی می‌تواند سجده‌گاه انسان مسلمان باشد. این دومین کاربرد، که اطلاق عام مسجد است از

ویژگیهای امت اسلامی است. دیگر ادیان، تنها در اماکن خاصی در برابر خداوند سجده می‌کنند و نماز می‌خوانند؛ اما در اسلام همه زمین پاک، و سجده‌گاه و مسجد است (ویکی فقه، ۳۹۱: ۱). رسول خدا پس از بیان فضیلت مسجد الحرام و مسجد الاقصی برای ابوذر به وی فرمودند: «حَيْثُمَا أَدْرَكَتْكَ الصَّلَاةُ فَصَلِّ وَالْأَرْضُ لَكَ مَسْجِدٌ: هر کجا وقت نمازت رسید، همانجا نماز بخوان که زمین برای تو مسجد است» (بخاری، ۱۳۸۸: ۶۰).

مسجد بودن تمام زمین از ویژگیهای امت مسلمان است؛ زیرا امتهای پیشین جز در مکانی که به طهارت و پاکی آن یقین داشتند، نمی‌توانستند در جای دیگری نماز بگذارند؛ اما امت مسلمان در همه نقاط زمین می‌توانند نماز بگذارند، جز در مکان و جایی که به نجاست و ناپاکی آن یقین و جزم داشته باشند. مسجد و عبادتگاه بودن همه نقاط زمین از ویژگیهای دوران رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است؛ زیرا پیامبران پیشین، فقط در صومعه‌ها و کلیساها می‌توانستند به عبادت بایستند و نماز بخوانند؛ اما برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم گستره زمین مسجد بود و آن حضرت در هر مکان که وقت نماز فرا می‌رسید به نماز می‌ایستاد.

واژه مسجد در ۲۸ جای قرآن به کار رفته و در بیشتر موارد اشاره به مسجد الحرام است. مسجد الحرام همان محیط اطراف خانه کعبه است که سجده‌گاه است. نخستین خانه‌ای که برای مردم ساخته شد تا در آن به عبادت خدا بپردازند، بیت‌الله الحرام است. بنابراین باید مسجد الحرام و کعبه را قدیمی‌ترین محل عبادت دانست. قرآن، علاوه بر مسجد الحرام از مسجد الاقصی نیز یاد کرده است. اینها مساجدی است که پیش از اسلام نیز وجود داشت؛ به علاوه اهل کتاب نیز مراکز عبادت خاص خود را داشته‌اند. در واقع، نخستین مسجدی که در اسلام بر پایه تقوا ساخته شد، مسجد قبا بود که در سال نخست هجری، بلافاصله پس از هجرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به یثرب و وارد شدن ایشان به محله قبا ساخته شد. گفتنی است نخستین کسی که مسجد ساخت، عمار یاسر بود که در تأسیس مسجد قبا نقش اول را داشت؛ پس از آن مسجد النبی در یثرب یا مدینه النبی ساخته شد (ویکی فقه، ۱۳۹۱: ۱).

به‌طور کلی چهار نوع مسجد برای مسلمانان قابل تصور است:

- مسجد محله
- مسجد مرکزی در شهر برای نمازگزاران شهر با عنوان مسجد جامع
- مصلاًیی برای مراسم نماز عید برای تمامی مردم هر منطقه

- مسجد الحرام برای حضور همه مسلمانان

نقش تاریخی مساجد در بسیج حرکت‌های مردمی

مسجد از دیرباز در زندگی مسلمانان نقش محوری داشته است و زیربنای شکل‌گیری تمدن اسلامی به‌شمار می‌رود. مساجد در نظام سیاسی - اجتماعی مسلمانان فقط کارکرد عبادی و دینی نداشته، بلکه کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و... داشته است. در ایران همزمان با ورود اسلام، مساجد شکل گرفت و پس از آن یکی از نهادهای تأثیرگذار در زندگی مردم ایران بوده است.

اهمیت مسجد در حوزه ارتباطات اجتماعی و سیاسی تا جایی است که بسیاری از فرمانهای حکومتی در مساجد، اعلام و منتشر می‌شد. آن گونه که ابن خلدون گفته است: «منصب پیشمنازی حتی از مقام پادشاهی نیز بالاتر و مهمتر است» (ابن خلدون، ۱۳۵۲: ۴۲۱).

روحانیت شیعه با محوریت مساجد، محور اصلی بسیاری از تحولات فکری - فرهنگی و سیاسی در ایران بوده است؛ از همین روست که بسیاری از پادشاهان و حکام مستبد به منظور رسیدن به اهداف خود سعی کرده‌اند به نوعی با مراجع بزرگ مذهبی و علمای مورد قبول مردم رفتار کنند که موقعیت خود را در خطر قرار ندهند. این ویژگی دین‌باوری مردم ایران و قدرت علما و روحانیان، که از آموزه‌های تشیع و قداست‌بخشی به روحانیت و سازمان مساجد نشأت گرفته، باعث شده است مردم که بیشتر آنان مسلمانان شیعه مذهبند، در تمامی مسائل از آنها پیروی کنند.

تشکیل دولت صفوی، رویدادی مهم در تقویت دولت ملی پس از اسلام در ایران بود. این دولت موفق شد با تکیه بر مذهب شیعه و با محوریت مساجد که در ایران هواداران بسیاری داشت با موفقیت‌های نظامی در سراسر ایران و احداث مساجد و گلدسته‌ها نخستین دولت ملی در ایران پس از اسلام را به وجود آورد و مذهب شیعه را رسمیت بخشید. ایجاد نخستین دولت مقتدر و مهاجرت بسیاری از روحانیان شیعه به ایران را باعث شد؛ بدین ترتیب از این زمان نهاد روحانیت با نقش امام جماعت مساجد نضج گرفت. البته باید گفت قبل از تأسیس دولت صفویه، ایران مرکز عمده شیعیان نبود؛ بلکه مراکز عمده شیعیان در اطراف بغداد و در شهرهای کربلا و نجف قرار داشت و تحولات عمده تقریباً در خارج از ایران رخ می‌داد. حکومت صفویه شرایطی ایجاد کرد تا روحانیت شکل گیرد و بتدریج در این دوران با تأسیس حوزه‌های علمیه و کسب منابع اقتصادی مستقل و امامت مساجد صاحب قدرت و نفوذ در جامعه شود.

اولین چالش در زمان حکومت شاه عباس رخ داد. ملااحمد اردبیلی به شاه‌عباس درباره نبود مشروعیت حکومتش تذکر داد و به او اخطار کرد که اگر خواهان ادامه حاکمیت خویش است، باید حرمت و اعتقاد به امام غایب را مراعات کند و گرنه توسط علما از او سلب قدرت می‌شود (الگار، ۱۳۶۹: ۲۵). بتدریج که قدرت سلسله صفویه کاهش یافت، قدرت علمای شیعه تداوم روزافزونی پیدا کرد، آنان با حفظ انسجام خویش، سیر جدایی میان نهادهای دینی و سلطنت را تداوم بخشیدند (الگار، ۱۳۶۹: ۲۶).

با روی کار آمدن سلسله قاجاریه، قدرت روحانیان و علمای دینی بر اثر بحث‌های دینی و علمی بین اخباریون و اصولیون ادامه یافت. طبق تفکر اصولیون، وجود علما و مجتهدان برای تفسیر مسائل جامعه و استفاده از مبانی دینی لازم و ضروری است. این برداشت در نهایت، مبنای ایدئولوژی تشکیلاتی شد که به انقلاب اسلامی منجر شد. مجتهدان و علمای دینی از جایگاهی خاص برخوردار بودند که به آسانی در انتقال افکار و اندیشه‌های دینی و انقلابی می‌توانستند بر مردم تأثیر بگذارند. آنها به منزله کسانی بودند که مردم می‌بایست از آنها در تحلیل احکام و مسائل فقهی پیروی می‌کردند. تقلید از رهنمودهای عالم دینی واجد شرایط، واجب بود. این تقلید نه تنها در دین و حقوق بلکه در همه شئون زندگانی، عامل تقویت روحانیت بوده است.

اولین حرکت روحانیت در این دوران، خود را در واقعه تحریم تنباکو نشان داد که طی آن مردم تحت رهبری روحانیت با محوریت مساجد علیه نفوذ بیگانگان قیام کردند. تظاهرات گسترده و وسیع به رهبری روحانیت، اولین تجربه در فعالیت اجتماعی در جهت محدود کردن اقتدار سلطنت بود و به علما در بسیج مؤثر نیروهای مردمی اعتماد به نفس داد. از این زمان تلاش علما برای محدود ساختن و کاهش قدرت و نفوذ سلسله قاجار ادامه داشت تا اینکه به انقلاب مشروطه منجر شد. از این زمان حرکت اسلامی به رهبری روحانیت و با محوریت مساجد نهادینه شد.

روحانیت در دوران پهلوی با تغییرات چشمگیری در ساخت سیاسی و اقتصادی جامعه روبه‌رو بود. در دهه ۱۳۱۰ - ۱۳۰۰ ایران، دوره‌ای از نوگرایی غربی و تمرکزگرایی را سپری، و حکومت به منظور تحقق این سیر به مبارزه علیه علما اقدام کرد. حمله رژیم رضاشاه به موقعیت علما در جامعه ایران با تصویب قانون نظام‌وظیفه در سال ۱۳۰۴ آغاز شد که به دولت اجازه می‌داد از طلاب علوم دینی برای معافیت آنها از خدمت نظام امتحان به عمل آورد. در سال ۱۳۱۵ قانونی به تصویب رسید که به گونه‌ای قاطع علما، را از مقام قضا محروم می‌کرد. در سال ۱۳۰۷ قانونی تصویب شد که به

دولت اجازه می‌داد برای طلاب علوم دینی و صدور مجوز مدرسان مذهبی امتحان برگزار کند. در کنار این اقدامات، سیاست رضاشاه برای محدود ساختن یا از بین بردن رفتار و مراسم فرهنگی و مذهبی، مانند کشف حجاب در سال ۱۳۱۴ و ممنوعیت عزاداری امام حسین (ع) نمونه‌هایی بود که ارزشهای مذهبی مردم را تهدید می‌کردند.

مهمترین واکنش علما را در مقابل سیاستهای خصمانه دولت می‌توان نوسازی و توسعه حوزه در قم به وسیله آیت‌الله عبدالکریم حائری دانست. با اجرای اصلاحات در قوانین قضایی و آموزشی و گسترش آموزشگاه‌های دولتی، مدارس و دانشگاه‌ها از قدرت و نفوذ روحانیان در فعالیتهای حقیقی و آموزشی کاسته شد. سیر کاهش قدرت سیاسی روحانیان را می‌توان با بررسی تعداد نمایندگان روحانی از دوره قاجاریه تا دوره محمدرضاشاه در مجلس شورای ملی نشان داد درحالی که در دوره نخست مشروطیت ۲۴ درصد از نمایندگان مجلس از قشر روحانیان بودند در دوره رضاشاه این نسبت به ۱۱ درصد و یک‌سوم و در اواخر همین دوره به یک‌ششم رسید. در دوره محمدرضاشاه این نسبت به ۳ درصد کاهش یافت (شجعی، ۱۳۷۲: ۲۷۲).

فرد هالیدی می‌نویسد: «اولین نشانه‌های جدی حضور فعال روحانیان در عرصه سیاسی تاریخ معاصر ایران را می‌توان بخوبی در قضیه تحریم تنباکو و وقایع منجر به نهضت مشروطیت مشاهده کرد. از مواردی که قدرت ویژه‌ای به روحانیان شیعه می‌دهد، استقلال اقتصادی آنهاست. منشأ این استقلال اقتصادی خمس و زکات است که براساس فقه شیعه به روحانیان پرداخت می‌شود و دولت از آنها سهمی نمی‌برد. هرچند رژیم پهلوی در دهه‌های آخر حکومت خود به‌گونه فزاینده‌ای سعی کرد از نفوذ آنان در میان مردم بکاهد و مانع فعالیتشان شود، این تلاش ثمری نداشت و نهایتاً انقلاب اسلامی نشان داد که رژیم شاه در این عرصه بسیار ناموفق بوده است» (هالیدی، ۱۳۵۸: ۴۳).

در دوره پهلوی هرچند هر دو شاه این سلسله کوشیدند با افزایش توان مادی و صنعتی، قدرت حکومت را افزایش دهند، از حیث مشروعیت نظام سیاسی همچنان با مشکل روبه‌رو بودند. مشکل مشروعیت رژیم پهلوی، این فرصت و توانایی را به مخالفان مذهبی رژیم داد که با انگشت نهادن بر آن، رژیم را به مبارزه فراخوانند. امام خمینی در مقدمه رساله ولایت فقیه، سلطنت را ضداسلامی و ناقض طرز حکومت و احکام اسلام دانست. به نظر ایشان سلطنت همان است که اسلام بر آن خط بطلان کشیده است (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۲).

روحانیت با محوریت مساجد بیشترین طبقه‌ای بودند که در میان مردم صاحب نفوذ و احترام

بوده است. این طبقه بین توده مردم و قشرهای مختلف اجتماعی به لحاظ پیوند عمیق مردم با مذهب در تحولات سیاسی - اجتماعی تاثیر مهمی به جای گذاشته است. این واقعیت در فرهنگ سیاسی و مبارزات انقلابی ملت ایران مشهود است.

قدرت علما و روحانیان شیعه، که از نفوذ دین در قشرهای مختلف جامعه ناشی می‌شد و مشروعیت می‌یافت، فقط در دایره موضوعات خاص دینی محصور نماند، بلکه در تاریخ ایران بعد از اسلام همواره حضور پرفراز و نشیب آنان را در صحنه‌های تصمیم‌گیری، رهبری مردم، هدایت و شرکت در جنبش‌های انقلابی شاهد بوده‌ایم. در کنار پیوند عمیق مردم با مذهب، که از عوامل مؤثر در جایگاه والای روحانیت در بین مردم بوده است، شرایط دیگری نیز دخیل است؛ برای مثال روحانیان همواره ملجئی برای دادخواهی مردم و سرپناهی برای افراد تحت تعقیب احکام دولتی بودند (الگار، ۱۳۶۹: ۷۴). هم اینکه تأثیر نفوذ کلام و فتاوی‌ای آنان و با استفاده از تشکیلات مساجد، همواره مبدأ خروش و قیامهای محلی و سراسری بوده است که دگرگونی اوضاع از مسیر معمول خود را موجب می‌گشت (تیموری، ۱۳۶۳: ۳۶)؛ به عنوان مثال و از بین شواهد و قراین بسیار، اشاره به نامه‌ای که سید جمال‌الدین اسدآبادی در قضیه نهضت تنباکو به میرزای شیرازی نوشت، مؤید جایگاه در خور توجه روحانیت بین مردم است: «اگر بخواهی می‌توانی با یک کلمه افراد پراکنده را جمع کنی و با متفق ساختن آنها دشمن خدا و دشمن مسلمانان را بترسانی و شرّ کفار را از سرشان برطرف نمایی» (تیموری، ۱۳۶۳: ۳۷).

یکی از عوامل مؤثر در حوزه تحولات اجتماعی در واقع مساجد و حسینیه‌ها بود. به طوری که شکل‌گیری تشکیلات روحانیت و علمای دینی و رشد آن را باعث شده است. حتی در مواقعی که روحانیت قدرت سیاسی نداشت، تشکیلات آنها بین توده مردم منشأ ساماندهی فکری لازم و بسیج عمومی بوده و ارتباط عاطفی و مردمی روحانیت با قشرهای مختلف از طریق مساجد این ساماندهی متقابل را مستحکم کرده، و همین امر یکی از مصداقهای بارز رشد منسجم و فراگیر بسیج سیاسی مردم است. درباره گرایش سیاسی روحانیان، باید توجه کرد که علمای شیعه به دلیل نبود مشروعیتی که برای حاکمیت‌های دوران غیبت قائل بودند، اولاً از مشارکت در کارهای سیاسی و همکاری با حکومتها پرهیز می‌کردند و ثانیاً تمایلی برای کسب حکومت و احراز کانونهای قدرت از سوی آنان دیده نمی‌شد.

با تقویت حوزه علمیه قم و استقرار علما در این شهر، عملاً احیای مرکزی برای حضور مؤثر

روحانیت شیعه در صحنه مسائل اجتماعی کشور و تغییر کانون اهمیت حوزه‌های علمیه شیعه از خارج کشور به داخل تحقق یافت. امام از جمله شخصیت‌هایی بود که برای ایجاد اصلاحات در جهت ساماندهی به حوزه‌های علمیه اقدام کرد؛ اگرچه رژیم پهلوی از هرگونه حرکتی جلوگیری می‌کرد که سودای تشکل و سازماندهی را در سر می‌پروراند. در دو قرن اخیر از انگیزه‌های مهم ورود روحانیان و علمای شیعه به صحنه سیاست، موضع بیگانه‌ستیزی و مبارزه با استعمار بود که اغلب گرایشهای سیاسی روحانیت را نیز تشکیل می‌داد.

دو نمونه انقلاب مشروطه و نهضت ملی نفت تا حدودی در همین چارچوب قرار داشت. موضع روحانیت در این دو نمونه و تلخی نتیجه‌ای که از کنار گذاشتن یا کنار رفتن روحانیت در این دو قیام پدید آمد. حتی نگاهی گذرا به رویدادهای جنبش‌هایی نظیر جنبش مشروطه، ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که تعداد زیادی از رویدادهای مهم و تعیین‌کننده در مساجد با محوریت مساجد شکل گرفته، و نقش منبر و وعاظ در آنها چشمگیر و گاه بی‌بدیل بوده است؛ برای مثال در خلال جنبش مشروطیت ایران؛ که از سال ۱۳۲۳ق (۱۲۸۴ ش) در تهران بالا گرفت و یک سال بعد به صدور فرمان مشروطیت منجر شد، مساجدی مانند مسجد شاه (امام)، جامع بازار، خازن الملک، سرپولک، میرزا موسی و سید عزیزالله حائز اهمیت بسیار بود و وعاظ بزرگی چون سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی و میرزا نصرت‌الله بهشتی (ملک‌المتکلمین) از طریق مساجد تأثیرگذارترین نقش را در انتقال پیامهای جنبش به عامه مردم داشتند (کرمانی، ۱۳۷۱: ۱۰۵).

امام خمینی معتقد بودند: «یکی از خصلتهای ذاتی تشیع از آغاز تاکنون، مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در تمامی تاریخ شیعه به چشم می‌خورد؛ هرچند اوج این مبارزات در بعضی از مقطع‌های زمانی بوده است» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۸۸). از نظر ایشان مساجد سنگر مبارزه با دیکتاتوری و ظلم بوده است.

مهمترین واقعه‌ای که در دوران پهلوی دوم رخ داد، مرجعیت امام خمینی و طرح حکومت اسلامی بود که تحولی بنیادین در پیکره روحانیت ایجاد کرد. کانونهای قدرت و جایگاه آنها در تعیین سرنوشت ملت‌های مسلمان همواره از دغدغه‌های فکری امام خمینی بود. وی معتقد بود که ماهیت و کیفیت احکام شرع به گونه‌ای است که اجرا و عمل به آنها مستلزم حکومت است و بدون دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره، نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد (امام خمینی،

۱۳۸۷: ۱۸۸).

طرح ایجاد اصلاحات در حوزه‌های علمیه در دوران مرجعیت آیت‌الله بروجردی به صورت کتابی حاوی بیانات مشهور امام خمینی برای اولین بار با عنوان ولایت فقیه در سال ۱۳۵۰ منتشر شد که در آن بر لزوم پذیرش مسئولیت سیاسی روحانیان تأکید شده بود. امام خمینی، که همواره بر جایگاه اجتماعی و سیاسی روحانیت تأکید می‌کرد، در این باره اعلام کرد: «روحانیت قدرت بزرگی است که با از دست دادن آن خدای نخواستہ پایه‌های اسلام فرو می‌ریزد و قدرت جبار دشمن، بی‌معارض می‌شود. مطالعات دقیق اجانب استعمارگر در طول تاریخ به آن رسیده است که باید این سد شکسته شود و تبلیغات دامنه‌دار آنها و عمال آنها در چند سال، موجب شده که تعدادی از روشنفکران را از آنها جدا و به آنها بدبین کنند تا جبهه دشمن بی‌معارض شود. اگر احیاناً بین آنها کسانی بی‌صلاحیت خود را جا بزنند، اما نوع آنها در خدمت هستند... چنانچه روحانیون محترم باید به طبقه جوان روشنفکر، که در خدمت اسلام و کشور اسلامی است و به همین جهت مورد حمله عمال اجانب است، احترام گذاشته؛ آنها را چون فرزندان عزیز و برادرانی ارجمند بدانند و این قدرت بزرگ، که مقدرات خواه‌ناخواه در دست آنها خواهد افتاد از دست ندهند و از تبلیغات سوئی که بر ضد آنها در این چند سال شده و آنها را در نظر بعضی طور دیگر جلوه داده‌اند تا از تفرقه استفاده هر چه بیشتر برند، احتراز کنند» (خمینی، ۱۳۷۸: ۲۰).

امام جنبه سیاسی اسلام را معیار ایدئولوژیکی مهمی به شمار می‌آورد و آن را در فرایند انقلاب اسلامی بر هر چیز دیگری مقدم می‌داند. یکی از جنبه‌های سیاسی اسلام، که امام خمینی به عنوان رهبر روحانی بر آن تأکید می‌کرد، مشارکت سیاسی بود. وی روحانیان بی‌علاقه به کارهای سیاسی را سرزنش می‌کرد و از آنها مکرر می‌خواست در مسائل سیاسی مداخله کنند. او با تأکید بر سیره پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص) و ائمه معصومین(س) مداخله در سیاست را مسئولیت روشن روحانیت دانسته است. در اندیشه سیاسی امام عقیده بر این است که از همان آغاز، شخصیت‌های بزرگ دینی با ظلم و ستم مخالفت می‌کرد و خداوند متعال حضرت موسی(ع) را برای نابودی فرعون فرستاد (دباشی، ۱۳۷۷: ۵۸).

بنابراین به نظر می‌رسد روحانیت بویژه مراجع با توجه به جایگاه اجتماعی که در میان مردم مسلمان ایران خصوصاً شیعیان به عنوان نایب عام امام زمان دارند و به دلیل استقلال مالی مستقل از حکومتها و سازمان مساجد، که نقش تجهیزری را بین مردم دارد، یکی از فراگیرترین سازمانهاست

که توان بسیج منابع را دارد. این امر را می‌توان در دوره‌های مختلف آشکارا مشاهده کرد؛ چه در جریان جنبش تنباکو یا جنگ با روسها و... از بعد فراگیری طبقاتی و اجتماعی نیز این گونه است؛ چون عموم مردم ایران از طبقات و اقشار مختلف و هم‌چنین قومیت‌های مختلف اعتقادات مذهبی، و معمولاً در مساجد حضور داشته‌اند که در دوران مختلف به فتاوی‌سیاسی رهبران حرکت‌های اسلامی عمل کرده‌اند.

نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی

در زمان رسول اکرم (ص) یکی از مهمترین نقش‌های مسجد، تدارک مقدمات فکری و بسیج عمومی مسلمانان به منظور جهاد با کفار بوده است. عیناً همین نقش در جریان نهضت روحانیون شیعه به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۲ (ش) و پس از آن در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران مشاهده می‌شد. تأثیر این مکان مقدس در طول هشت سال دفاع مقدس در جذب نیروهای رزمنده بسیجی و آموزش آنها و نیز پشتیبانی و فعالیتهای پشت جبهه بر هیچ کس پوشیده نیست. مسلم و بدیهی است که اگر بیانات روشنگرانه آن پیر فرزانه نبود، مساجد نمی‌توانست جایگاه حقیقی خود را به‌دست آورد.

بر اساس همین دیدگاه است که متفکران و نویسندگان خارجی نیز به اهمیت مساجد در ساختار انقلاب تأکید کرده و آن را محور اصلی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی دانسته‌اند؛ از آن جمله حامد الگار نویسنده و منتقد بزرگ می‌گوید:

«مسجد هسته اساسی تشکیلات انقلاب اسلامی بود. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیای دوباره مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. نقش مسجد، دیگر نه عزلت و گریزگاهی از جامعه بود که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، ادای عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه می‌بردند، بلکه برعکس، مسجد کانون مبارزه و مرکز فرماندهی بدل شد. گستردگی شبکه مساجد در سراسر کشور از بزرگترین شهرها تا روستاها، این امکان را به‌وجود آورده بود که پیامها و ارتباطات انقلابی براحتی در سراسر کشور پخش شود و همه مردم در ارتباط با مواضع انقلابی و پیامهای رهبری انقلاب قرار گیرند» (الگار، ۱۳۶۹: ۵۸).

جان‌دی استمپل از کارشناسان سفارت امریکا می‌نویسد:

«یک جنبه مهم رشد حرکت انقلابی، مشارکت دائمی و فزاینده سازمانهای شیعی مذهب ایرانیان در جنبش بوده است. در کشور ۳۵ میلیونی ایران تقریباً ۸۰ تا ۹۰ هزار مسجد و ۱۸۰ تا ۲۰۰

هزار و روحانی وجود دارد و سریعترین و مطمئنترین راه رساندن پیام از شهری به رهبران شهر دیگر از طریق شبکه مساجد انجام می‌گرفت (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۰۹/۰۹).

بنابراین مسجد به دلایلی که ارائه شد، توانست در جریان بسیج انقلابی به عنوان پایگاه رسانه‌ای و ارتباطی جریان مخالف رژیم عمل کند و تنها نهادی بود که از دولت مستقل بود و تنها گزینه ممکن برای بسیج مردم بود. در واقع کارکرد رسانه‌ای مسجد در ارتباط با دو رکن دیگر انقلاب یعنی رهبری و ایدئولوژی نیز بسیار مهم بود؛ زیرا از طرفی پایگاه ارتباطی مردم و رهبری انقلاب مسجد بود و در طول سالهای تبعید حضرت امام(ره) این ارتباط قطع نشد. از سوی دیگر ایدئولوژی انقلاب که ملهم از اندیشه سیاسی شیعه بود از طریق مسجد گسترش می‌یافت. از جمله شرایط موفقیت هر گروه مخالف در منازعه با حکومت مستقر این است که به لحاظ مادی و اقتصادی به نظام حاکم وابستگی نداشته و مستقل باشد. هر نهضتی برای سازماندهی و اقدامات انقلابی نیازمند منابع مالی فراوانی است؛ زیرا در هر انقلابی تعداد زیادی از افراد درگیر مبارزه و مقدار زیادی اقدامات پنهان انقلابی هست که باید از لحاظ مالی تغذیه شود.

در بسیاری از کشورهای انقلابی، گروه‌های مبارز، هزینه‌های خود را از طریق دزدی یا کمکهای اعضای خود تأمین می‌کنند. روش اول در میان چریکهای انقلابی رایجتر است، اما با توجه به اینکه ایدئولوژی انقلابی اسلامی به دین اسلام متکی است، این روشها نمی‌توانست اینجا کارآمد باشد. البته اساسا چنین نیازی هم نبود؛ زیرا نهاد مذهب در ایران استقلال خود را حفظ کرده، و اتحاد مسجد با بازار مهمترین عامل این استقلال بود.

بازار در جوامع اسلامی بویژه در کشورهای شیعه با محافل دینی از قبیل حوزه‌های علمیه، مساجد و هیأت‌های مذهبی ارتباط نزدیکی داشته است. این نزدیکی و آمیختگی تنها به بعد فیزیکی و کالبدی منحصر نبود، بلکه فراتر از آن نوعی همبستگی و تجانس فکری - فرهنگی را میان بازار و مسجد در صفت‌بندیهای اجتماعی - سیاسی تشکیل می‌داد. برخی معتقدند که پیوند این دو نهاد فراتر از ارتباط آنها با دیگر اقشار و نهادها از جمله نهاد حکومت بوده است. تبلور این پیوند و اتحاد را می‌توان در تاریخ جنبش‌های سیاسی - اجتماعی دو بیست سال اخیر ایران بخوبی مشاهده کرد.

براساس مستندات تاریخی در هیچ یک از جنبشهای تاریخ معاصر ایران همچون جنبش تنباکو، قیام مشروطه و انقلاب اسلامی، این دو نهاد در برابر یکدیگر قرار نگرفته، بلکه در تمامی صفت‌بندیها جبهه واحدی علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی تشکیل داده هستند. مسجد و بازار

دو نهاد از نهادهای اجتماعی‌اند که ابتدا در شهرها پدید آمده‌اند. کارکرد و شرایط ظهور این دو نهاد به گونه‌ای بوده است که اساساً جز در اجتماعات شهری امکان وجود و تداوم نمی‌یافته‌اند.

ساخت کالبدی شهرهایی که در دوره اسلامی و توسط فرمانروایان مسلمان بنیان نهاده شد نیز بخوبی حضور برجسته این دو نهاد را نشان می‌دهد. احمد اشرف می‌نویسد: «شهرهایی که فرمانروایان اسلامی بنیان گذاردند، دو پایه اصلی داشت؛ یکی مسجد جامع و دیگری بازار. مساجد جامع در شهرها همواره دو کارکرد سیاسی و مذهبی داشت و عموماً در کنار مقر فرمانروایان و الیان قرار داشت و بعضاً مرکز اجتماعات سیاسی و رسمی هم بوده است و معمولاً در کنار آن مدرسه علمیه شهر واقع بود و بالاخره بازار که آن را احاطه می‌کرد (ساسان، ۱۳۹۱: ۱).

مدینه، که در دوره اسلامی در مقابل شهرستان به کار می‌رفت، گذشته از موفقیت دیوانی، نقش مذهبی مهمی هم داشت؛ از این رو مسجد آدینه یا مسجد جامع بتدریج به یکی از ارکان اصلی جوامع شهری بدل شد تا جایی که ویژگی تمیز تجمعات شهری، از اجتماعات غیر شهری داشتن مسجد جامع شد؛ بدین معنی که استقرار و توطن مقامات مذهبی و برپایی مسجد آدینه و اقامه نماز جمعه در هر سکونتگاه مستلزم این بود که جمعیت ثابت آن ناحیه تا میزان معینی افزایش یابد.

با اینکه ارگ در کنار مسجد و بازار و به عنوان یکی از سه نهاد عمده شهری بوده است، اعمال دیوانی در یک ویژگی اخص با علما و بازاریان تفاوت داشتند و آن خاستگاه اجتماعی آنان بوده است. علما و بازاریان عموماً خاستگاه شهری داشته‌اند؛ اما اعمال دیوانی هر چند در شهرها اقامت می‌کردند، عموماً تبار ایللیاتی داشتند و خاستگاه غیر شهری آنان کاملاً مشهود بوده است و شاید یکی از دلایل اتحاد و نزدیکی مسجد و بازار یا علما و بازاریان در مقابل حکومتها، همین یگانگی ریشه و خاستگاه اجتماعی آنان باشد.

همبستگی مسجد و بازار در ایران نیز در دوره‌های مختلف تاریخی وجود داشته است؛ و این امر بویژه با ورود استعمار به ایران پررنگتر شد. در دوران حاکمیت سلسله قاجار، چگونگی تکامل دولت با علما و اعطای امتیازات اقتصادی به بیگانگان باعث شد که ضمن باز شدن پای طرف خارجی به مناسبات قدرت در ایران، دو طرف دیگر مسئله یعنی مسجد و بازار نیز در موضع تخصصی با دولت قرار بگیرند. نمونه بارز این صف‌بندی در واقعه رژی و جنبش تحریم تنباکو نمایان شد. که در آن محور مسجد - بازار در یک صف واحد در مقابل شاه و طیف خارجی قرار گرفت استمرار این صف‌بندی به نهضت مشروطه منجر شد که برای اولین بار اقتدار پادشاه را به

چالش طلبید.

اتحاد مسجد و بازار در دوره های بعد نیز ادامه یافت. با توجه به سیاستهای رژیم شاه مبنی بر نوسازی به سبک غربی و ترویج ابتدال و بی بند و باری در جامعه و تحت فشار قرار گرفتن اقشار مذهبی و بویژه بازاریان، این امر موجب نزدیکی بیشتر این دو نهاد شد. این اتحاد باعث شد که در انقلاب اسلامی، بازاریان و بازار به عنوان نهادی سنتی چه از لحاظ مالی و اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی نقش بسزایی ایفا کنند.

موقعیت بازار و جمعیت آن از لحاظ سیاسی در شکل گیری تظاهرات مردمی نقش مهمی داشت. با توجه به اینکه بازاریان اولاً گروهی از اجتماع سنتی شهرنشین بودند که چندین هزار مغازه داشتند و ثانیاً با جمعیت زیادی از مردم در ارتباط بودند، هرگاه که اتفاقی می افتاد، بازار را می بستند و در مساجد تجمع می کردند. تعطیلی بازار باعث نارضایتی مردم و اعتراض به دولت می شد و تا حدی زمینه شکل گیری تظاهرات مردمی را فراهم می کرد. از لحاظ اقتصادی نیز بازار در پشتیبانی و حمایت از مبارزات انقلابی و انقلابیون نقش مهمی داشت که می توان از جمله به این موارد اشاره کرد.

بسیاری از مساجد و حسینیه ها در شهرهای بزرگ در کنار بازار و توسط بازاریان ساخته می شد. ساخت حدود ۵۰ مسجد کوچک و بزرگ در محدوده بازار تهران در دوره های مختلف دلیلی بر این مدعاست. برخی از این مساجد نیز به نام بانیان آنها نامگذاری شده است؛ مانند مسجد جلیلی، مسجد سید عزیزالله، مسجد لباسچی، مسجد حاج علی اکبر بزاز، مسجد حاج رضا همدانی، مسجد حاج حسین بلورفروش و تأسیس صندوقهای قرض الحسنه در بازار یا مساجد و کمک بازاریان به آنها یکی از راه های حمایت بازار از نهضت انقلابی ایران بود که در این رابطه اسنادی نیز وجود دارد. «یکی از صندوقهایی که به افراد محتاج قرض می دهد و آن را با قسط ماهانه دریافت می کند، صندوق قرض الحسنه جاوید واقع در خیابان خسروی نو و صندوق دیگری در بازار سرای محمدیه است که بیشتر به طلاب و روحانیون وام می دهد و ظاهراً اساس تشکیل این صندوق بر همین مبنا بود. در این صندوق چند نفر از بازاریها و سید عبدالکریم هاشمی نژاد و شیخ ابراهیم طالبیان نظارت دارند (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۰۹/۰۹). آقای هاشمی رفسنجانی نیز در خاطرات خود می نویسد: «ضمن بنیاد خیریه رفاه را هم درست کردیم که پوشش خوبی بود برای حل مشکلات کسانی که در جریان مبارزه آسیب می دیدند. صندوقهای قرض الحسنه را هم تشویق کردیم که هم پوشش

خوبی برای همان کارهای امدادی سیاسی و هم راهی برای حضور بیشتر در مساجد و بهره‌گیری بیشتر از آنها به عنوان پایگاه مبارزه با توجه به اعتقادات مذهبی بازاریان. آنها خود را ملزم به پرداخت وجوهات شرعیه به علما و حوزه‌های علمیه می‌دانستند و اگر از پرداخت مالیات به دولت سرباز می‌زدند در پرداخت وجوهات شرعی بسیار مقید بودند (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۰۹/۰۹). استمیل می‌نویسد: «به هر حال بازار و مسجد همیشه با یکدیگر همکاری کرده‌اند. هزینه‌های حوزه‌های علمیه و نیز تا ۸۰ درصد هزینه گذران زندگی روحانیون توسط همین تجار تأمین می‌شود (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۰۹/۰۹).

این موارد بیانگر نزدیکی و پیوند مسجد و بازار و تأثیر این دو نهاد در پیروزی انقلاب اسلامی است. در حالی که بازاریان نیازهای فکری، فرهنگی و عقیدتی خود را از طریق مساجد بر طرف می‌کردند با کمکهای خود نیز نیازهای مساجد را بر طرف می‌کردند و مبارزات مردمی را از طریق مساجد وسعت می‌بخشیدند.

یکی از کارکردهای مسجد در جریان بسیج سیاسی و سازماندهی توده‌های انقلابی، ایجاد فرهنگ و هویت مشترک و بسیج منابع عقیدتی و ارزشی است. رابطه مسجد و روحانیت، دیرینه است. گرچه از ابتدای ظهور اسلام و تأسیس مسجد، مردم با حضور در مسجد و دیدار با پیامبر، سؤالات و مشکلات خود را در میان می‌گذاشت و مسجد مرکز تمام فعالیتهای جامعه اسلامی بود، با گذشت دوران اولیه و گسترش علم فقه و حدیث، کم‌کم جریان‌های علمی در جامعه اسلامی پا به عرصه وجود گذاشت و روحانیت به عنوان کارگزاران مذهب، وظیفه ارشاد و راهنمایی مردم و آموزش تعلیمات اسلامی را بر عهده گرفتند. با فاصله گرفتن حکام از آموزه‌های دین و مسجد و تأسیس دارالحکومه، مساجد مردمی به عنوان نهادی مستقل پا به عرصه وجود گذاشتند. در ایران بویژه از دوره صفویه و با دعوت از روحانیون دیگر کشورها، طبقه جدیدی از روحانیت شکل گرفت که دارای انسجام و تشکیلات بود و بسیاری از کارهای مردم از جمله آموزش، قضاوت، امور ثبتی و مالی بر عهده آنان بود.

روحانیون در تاریخ سیاسی ایران، توانستند با برخورداری از چند ویژگی در قیامهای ضد استبدادی و ضد استعماری نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کنند؛ بدین معنی که روحانیون در مقایسه با دیگر اقشار و نیروهای اجتماعی و تشکلهای سیاسی، سازمان یافته‌ترین و منسجم‌ترین نیروهای اجتماعی جامعه ایران را تشکیل می‌دهند. روحانیون منابع قدرت متعددی داشتند. اولین و مهمترین

کانونی که روحانیون از آنجا اعمال قدرت می‌کردند، مساجد است. بنابراین بهره‌گیری روحانیت از مساجد باعث شد که در جریان انقلاب اسلامی، مساجد به عنوان پایگاه و تشکیلات مبارزه همانند صدر اسلامی احیا شود و به نقش آفرینی جدی پردازد. در این بین نقش امام خمینی(ره) به عنوان احیاگر مساجد در عصر حاضر بسیار تأثیرگذار بود و در تمام مراحل مبارزه، تمامی اقشار جامعه را به بهره‌گیری از مسجد و احیای دوباره آن دعوت می‌کرد. این امر باعث شد که گرایش مردم به مساجد بیشتر شود و طرح مسائل سیاسی توسط روحانیون و وعاظ، مساجد را از جنبه عبادی صرف خارج کند و تمامی کارکردهای مسجد فعال شود.

یکی از اتفاقات نادری که در جریان انقلاب اسلامی رخ داد و در تاریخ معاصر و ایران بی نظیر بود، حضور روشنفکران مذهبی غیر روحانی در مساجد در کنار روحانیون بود. در حالی که در گذشته منبر و خطابه و عظ مختص روحانیون بود، اما در این دوران با دعوت روحانیت روشن بین و آگاه، پای متفکران مذهبی و دانشگاهی به مساجد باز، و باعث شد تحول جدی در عرصه اندیشه دینی به وجود آید. شاید یکی از دلایل این کار، تجربه آموزی روحانیون از نهضت مشروطه باشد. در جریان مشروطه در حالی که مردم و روحانیت از پایگاه مسجد به مقابله با استبداد پرداخته بودند، روشنفکران در محافل سری و انجمنها و مجامع فعال بودند و مسیر دیگری را دنبال می‌کردند. نهضتی که با رهبری روحانیت و همراهی مردم و از پایگاه مساجد شروع شد در نهایت به کژراهه رفت و از سفارت انگلیس سردرآورد. این انحراف باعث شد که نتیجه قیامها و تلاشهای مردم و روحانیت به روی کار آمدن رضا خان و شکل گیری استبداد در ایران منجر شود. بهره‌گیری علمای آگاه و روشن بین همچون آیت الله طالقانی، شهید مطهری، شهید مفتاح، شهید بهشتی و... از توانایی فکری و علمی روشنفکران مذهبی نظیر دکتر شریعتی، جلال آل احمد و... باعث شد که اتحاد نیروهای مذهبی بیشتر، و چهره جدیدی از اسلام معرفی، و غبار تحجر از چهره دین زدوده شود. بهره‌گیری ایدئولوژیک از مکتب تشیع به عنوان راهنمای عمل انقلابی باعث شد که جوانان دانشگاهی و فعالان انقلابی به سلاح فکری جدیدی مجهز شوند و در مقابل تفکرات مارکسیستی قد علم کنند و در نهایت گفتمان سیاسی - ایدئولوژیک شیعه به عنوان گفتمان غالب در آید. هویت به منزله شناسنامه ملی جامعه به معرفی شخصیت آن جامعه می‌پردازد. هویت دینی در جامعه ایران از گسترش و عمق بسیاری برخوردار است به گونه‌ای که تلاشهای مخالفان دین

تاکنون نتوانسته است آن را کمرنگ کند.

از طرفی سیاستهای اسلام‌زدایی رژیم شاه، که هویت دینی جامعه را نشانه گرفته بود، باعث شد که علما به فعالیتهایی از جمله توسعه نهادهای مذهبی و تأسیس مساجد دست بزنند. اوج فعالیتهای رژیم در قالب برنامه به اصطلاح انقلاب سفید بود که هدف رژیم از این اقدام، حرکت در مسیر تعیین شده از سوی امریکا و غربگرایی هر چه بیشتر بود. در پی انقلاب سفید، شاه سکولاریزه و غربی کردن جامعه را با تأکید بر فرهنگ قبل از اسلام ایران تا اساس ایدئولوژیکی برای حکومت فردی وی تهیه کند، سرعت بخشید و کوشید تا نهادهای مذهبی را در اختیار خویش گیرد.

این اقدامات رژیم با واکنش شدید علما و مردم به رهبری امام خمینی و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ روبه‌رو شد؛ اما رژیم با اقدامات دیگر از جمله جشن‌های شاهنشاهی، تغییر تقویم هجری و... در پی زدودن مظاهر دینی و فرهنگی اسلام از ایران و کمرنگ کردن هویت دینی جامعه و از طرفی تبلیغ و ترویج فرهنگ منهای اسلام و مظاهر فرهنگی غرب بود. در حالی که تمام توان رژیم در این راه به کار گرفته شده بود و همه محافل و مجامع از جمله رسانه‌ها، احزاب دولتی و... در این راستا قدم برمی‌داشتند، نیروهای مذهبی در جبهه مقابل با رهبری علمای دینی و روشنفکران مذهبی از طریق پایگاه مساجد، هم به نفی اقدامات رژیم در مقابله با آن پرداخته و هم در پی اثبات و ارائه فرهنگ اسلامی به زبان روز بودند و از این راه به حفظ هویت جامعه می‌پرداختند.

جامعه‌پذیری سیاسی، روندی است که هر جامعه، فرهنگ سیاسی خود را با آن دائمی می‌سازد و یا روندی است که به وسیله آن فرهنگ سیاسی شکل می‌گیرد؛ باقی می‌ماند و تغییر می‌کند. در کشور ایران با توجه به اکثریت مسلمان جامعه و حاکم بودن فرهنگ شفاهی و چهره به چهره، یکی از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری، مساجد و نهادهای مذهبی است. بدیهی است مذهب می‌تواند عامل بسیار مهمی در جامعه‌پذیری افراد باشد؛ ولی در جوامع و ادیان مختلف، تفاوت‌های زیادی وجود دارد. در اسلام، مسجد از مهم‌ترین نهادهایی است که با ارائه کارکردهای عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگ و... نقش اساسی در جامعه‌پذیری دارد.

تقابل فرهنگ سیاسی شیعه با فرهنگ سیاسی رژیم پهلوی از طریق مساجد و نهادهای مذهبی مانند حسینیه‌ها و تکایا تبلیغ می‌شد و باعث تحول شگرفی در فرهنگ سیاسی ایرانیان شد و مشروعیت رژیم را زیر سؤال برد. این امر باعث شد که رژیم با بحران مشروعیت روبه‌رو، و زمینه انقلاب فراهم شود.

یکی از ویژگیهای مساجد، که در انقلاب اسلامی نیز به طور بارزی جلوه گر شد، این بود که تمامی افشار جامعه از هر صنف و گروه در مسجد حضور می یافتند و از برنامه‌های آن استفاده می کردند. در واقع مسجد از آنجا که خانه خداست و به هیچ گروه و طبقه و حزب خاصی بستگی ندارد در آن همیشه به روی مردم باز است و هر کس می تواند متناسب با نیاز خود از برنامه‌های مذهبی، سیاسی، آموزشی و... آن استفاده کند. ورود به مسجد نه کارت عضویت می خواهد و نه هیچ ویژگی خاصی از جمله سن، جنس، سطح سواد، طبقه اجتماعی و... این ویژگی منحصر به فرد باعث شده است که مسجد در مقایسه با نهادهای سیاسی - اجتماعی مدرن از جمله احزاب، تشکلهای سیاسی، اتحادیه‌های صنفی و... از جذابیت بیشتری برخوردار، و به عبارتی از دیگر نهادها آسان‌یابتر باشد.

از دیگر نقشهای اجتماعی و سیاسی مسجد، می توان کارکرد آن را در پرورش نیروهای متعهدی دانست که حکومت اسلامی به آنها نیاز دارد؛ زیرا مسجد بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد. در سایه رفت و آمد به مسجد، خلق و خویها و آداب و منشهای افراد تا حد زیادی هویدا می شود؛ این شناسایی در روابط افراد با یکدیگر سازنده و مؤثر است. مساجد در ترغیب مردم به جهاد و مقاومت هم نقش برجسته‌ای دارند. فرهنگ جهاد با فرهنگ مسجد، پیوند ناگسستنی دارد؛ زیرا هدف و انگیزه جهاد در اسلام بر معنویت مبتنی است و مساجد، پایگاه‌های معنویت و خانه‌های خدا روی زمین هستند. آغاز فتوحات اسلامی از مسجدالنبی و نقش محوری مساجد در سازماندهی و آموزش نظامی، اعزام نیرو، فرماندهی و پشتیبانی جنگ، نگهداری غنائم و اسیران، درمان مجروحان و مکان اکرام خانواده‌های شهدا در صدر اسلام، نشانگر این پیوند عمیق است.

مساجد از روزهای اوّل هجوم دشمن بعثی، پایگاه و پناهگاه رزمندگان و مردم بود. مساجد بویژه در شهرهایی که مورد تجاوز دشمن قرار می گرفت، مرکز مقاومت و پایداری مدافعان شهر بود و رزمندگان با حضور در مسجد و ارتباط با خدا، روحیه ایمان و پایداری خود را تقویت می کردند. مساجد در سخت‌ترین وضعیت جنگ تحمیلی دوشادوش رزمندگان ایستادگی کردند. به عنوان مثال مسجد جامع خرمشهر، نقش ستاد عملیات و فرماندهی، مرکز پشتیبانی و تغذیه کننده روحی و معنوی رزمندگان اسلام را ایفا می کرد. عقبه نیروها، محل تدارکات، سازماندهی، استراحت، جایگاه درمان مجروحان در مسجد واقع شده بود (مرکز تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۸۵:

۳۶). در مسجد، خواهران به پخت‌وپز مشغول بودند و جیره جنگی آماده می‌کردند تا مدافعان خسته شهر را یاری کنند. از مناره مسجد برای هدایت خمپاره‌ها استفاده می‌شد (درودیان، ۱۳۹۰: ۳۳۷ و ۳۳۶).

شهید آوینی مسجد جامع خرمشهر را چنین توصیف می‌کند: «مسجد جامع خرمشهر، قلب شهر بود که می‌تپید و تا زمانی که بود، مظهر ماندن و استقامت بود. مسجد جامع خرمشهر، مثل مادری بود که فرزندان خویش را زیر بال و پر گرفته بود و در بی‌پناهی، پناه داده بود و تا زمانی که بود، مظهر ماندن و استقامت بود و آن‌گاه نیز که خرمشهر به اشغال متجاوزان درآمد و مدافعان ناگزیر شدند که به آن سوی شطّ خرمشهر کوچ کنند، باز هم مسجد جامع، مظهر همه آن آرزوهای بود که جز در باز پس‌گیری شهر برآورده نمی‌شد. مسجد جامع، همه خرمشهر بود» (آوینی، ۱۳۹۵: ۱۷ و ۱۸).

بعد از بازپس‌گیری خرمشهر، رزمندگان فاتح در اولین اقدام خود، پس از آزادسازی شهر، نماز شکر را در مسجد جامع به جا آوردند و در پایان آن روز، مردم به پیروی از رزمندگان با حضور در مساجد کشور، نماز شکر به جا آورده‌اند و با فرا رسیدن شب به یمن پیروزی بر پشت‌بامها ندای تکبیر سر دادند (پایگاه تخصصی مساجد، ۱۳۹۵: ۱).

روحانی مسجد در دفاع مقدس گاه با تقویت روحیه مردم از طریق فضای تاریخی جنگهای صدر اسلام و گاه با یادآوری مجاهدتهای امام حسین و یاران ایشان و تبیین و تشبیه، همه را به سوی جهاد دعوت می‌کرد که البته تک‌تک افراد احساس تکلیف می‌کردند به گونه‌ای که روحیه جهادی به عنوان ویژگی فراگیر یکی از مهمترین عوامل پیروزی به‌شمار می‌رفت. همه اقشار از زن و مرد، کهنسال و خردسال در برابر وضعیت پیش‌آمده احساس وظیفه، و در همه کارها همیاری می‌کردند؛ آن که توان جسمی داشت در جبهه‌ها حضور پیدا می‌کرد، آن که توان مالی داشت کمک مالی، آن که هیچ یک را نداشت، پشت جبهه کمک‌رسانی می‌کرد، همه اصناف از مکانیک، آشپز، پزشک، راننده، خیاط و... بسته به مهارتشان همکاری می‌کردند و در رأس آنها روحانیون پیشتاز بودند.

مساجد در دوران دفاع مقدس از جمله مراکز مهم اعلام اقلام مورد نیاز جبهه‌ها و نیز محل جمع‌آوری کمکهای مردمی بود. صرف نظر از ارزش مادی کمکهای مردمی، که در خور توجه است، حضور معنوی آحاد مختلف مردم در زمینه کمک‌رسانی به جبهه‌ها شگفت‌آور بود. هم‌چنین

حوادث جبهه‌ها و پیامدهای سیاسی و اجتماعی عملیات رزمندگان، بیشتر از تریونهای مساجد برای مردم تبیین می‌شد؛ حتی فرماندهان مؤثر دفاع مقدس پس از عملیاتهای مهم در مساجد حضور پیدا می‌کردند و درباره چگونگی عملیات و دستاوردهای آن بویژه تأثیر آن در تحولات منطقه‌ای و جهانی سخن می‌گفتند و مردم هم سخنان پرشور آنان را به عنوان سفیران صادق دفاع مقدس به جان و دل می‌سپردند و برای دیگران نقل می‌کردند.

بنابراین مساجد در مقاطع مختلف تاریخ انقلاب اسلامی در سازماندهی نیروهای سهم بسزایی انقلابی داشتند. در انقلاب اسلامی حضور تمامی اقشار جامعه در مساجد باعث یکدلی و اتحاد بیشتر مردم شد و زمینه قیام و انقلاب را فراهم کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) بار دیگر مساجد، هویت و منزلت خود را نسبت به روزگار و زمان حاکمیت پهلوی باز یافت و از آغاز نهضت به عنوان سنگری شکست‌ناپذیر، میعادگاه مؤمنان و خداجویان قرار گرفت. در دوران سی ساله پس از انقلاب اسلامی، مساجد در فعالیتهای فرهنگی اجتماعی سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی از طریق بسیج نیروهای فعال شرکت کرد و نقش پایگاه ارتباطی مردم را عهده‌دار شد بویژه در روزگار و دوران هشت ساله دفاع مقدس که به انسجام نیروهای مردمی پرداخت و بسیاری از فعالیتهای انقلاب مانند رفراندم، شوراهاى محلی و کانونهای بسیج در مساجد شکل گرفت.

نتیجه‌گیری

براساس چارچوب نظری چارلز تیلی، مساجد به عنوان سازمانی با روابط دسته‌ای که همه مسلمانان از هر فرقه‌ای و گرایشی به آن اعتقاد دارند می‌تواند معتقدان را به بسیج همگانی با توجه به شرایط مختلف به شیوه‌های تدافعی، تهاجمی و تدارکی وادار کند که جلوه‌های آن هم در دوران جنگ و هم در دوران صلح قابل مشاهده است. این نقش تاریخی مسجد از صدر اسلام تاکنون استمرار داشته است. مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه به عنوان سازمان مرکز جنبش و حرکت‌های جهادی بوده است. در زمان رسول اکرم (ص) یکی از مهمترین نقشهای مسجد، تدارک مقدمات فکری و بسیج عمومی مسلمانان به منظور جهاد با کفار بوده است. همین نقش در جریان نهضت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۲ و پس از آن تا پیروزی

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و حفظ و بقای آن تاکنون مشاهده شده است. در مجموع سازمان مساجد در طول تاریخ و به درجات مختلف، علاوه بر محل عبادت و تشکیل نمازهای جمعه و جماعت، مکانی برای تشکیل جلسات بحث و درس، آموزه‌های دینی و علمی، اجرای کارهای قضایی، حل و فصل اختلافات، رسیدگی به کار عمومی و عام المنفعه، دستگیری از مستمندان، نگهداری خزانة یا بیت المال و برگزاری مراسم سیاسی بود؛ بدین ترتیب گستره اجتماعی و سیاسی مساجد بسیار چشمگیر بود و انبوهی از پیامهای اجتماعی و سیاسی از فراز منبر مساجد منتشر می‌شد. بویژه اهمیت منبر در مساجد بدان پایه بود که در کنار محراب، مقصوره، شبستان و گنبد یکی از پنج جزء مهم مساجد به شمار می‌آمد و دارا بودن آن یکی از لوازم جامع بودن تلقی می‌شد.

هم‌چنین طی مبارزات مردم ایران علیه رژیم پهلوی، بسیاری از پیامهای اجتماعی و سیاسی از فراز منبر مساجد و از طریق وعظ و خطابه به طیف وسیع و پرشماری از مخاطبان منتقل می‌شد و منبر را در جایگاه رسانه‌ای کم‌مانند قرار می‌داد. پیامهای سیاسی مساجد بویژه در دوران مبارزات انقلابی مردم ایران بسیار مؤثر بود و مسجد را در کانون مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی قرار داد.

با پیروزی انقلاب اسلامی هم مساجد جایگاه واقعی خود را باز شناختند به گونه‌ای که نیروهای فعال در مساجد به طور مستقیم در متن انقلاب شرکت جستند و مسجد در فرایند جریان‌ات منجر به پیروزی انقلاب اسلامی نقش مستقیمی ایفا کرد و حلقه ارتباطی مردم، دین و سیاست شد. بویژه در ابتدای انقلاب در شرایط حساسی که نهضت اسلامی فاقد هرگونه تشکیلات منطبق با معیارهای اسلامی بود، مساجد توانست این نارسایی مهم را جبران کند و به انسجام نیروهای مردمی بپردازد. علاوه بر این بسیاری از برنامه‌های انقلاب مانند رفراندوم، شوراها محلی، کانونهای بسیج و دیگر ضرورت‌های زمان در مساجد انجام می‌شد. تأثیر این مکان مقدس در طول هشت سال دفاع مقدس در جذب نیروهای رزمنده بسیجی و آموزش آنها و نیز پشتیبانی و فعالیت‌های پشت جبهه، نقش ممتاز و ویژه‌ای بوده است. بنابراین مهمترین کار ویژه سازمان مساجد، بسیج همگانی در شرایط مختلف ایران علیه حکومت پهلوی و دفاع از بقای نظام اسلامی در دوران دفاع مقدس است.

منابع

- آوینی، سیدمرتضی (۱۳۹۵). *شهری در آسمان*. تهران: نشر واحه.
- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد (۱۳۵۲). *مقدمه*. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: کتابهای جیبی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۸۸). *صحیح بخاری*. ج دو. مترجم عبدالقادر ترشابی. نشر حرمن.
- پایگاه تخصصی مساجد (۱۳۹۵). *نقش مساجد و ائمه جماعات در دفاع مقدس*. برگرفته از: <http://www.masjed.ir/fa/n>
- تیموری، ابراهیم (۱۳۶۳). *تحریم تنباکو*. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵). «از بسیج تا انقلاب». ترجمه علی مرشدی زاد. تهران: پژوهشکده انقلاب اسلامی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۰). *وسائل الشیعه*، ج ۳. مکتبه الاسلامیه. تهران.
- حامد الگار، حامد (۱۳۶۹). *نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت*. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توسن.
- خبرگزاری فارس (۸۸/۹/۹). *نقش مساجد در انقلاب اسلامی*. برگرفته از: <http://www.farsnews.com>
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه نور*. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۷). *ولایت فقیه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دباشی، حمید (۱۳۷۷). *مساجد*. ترجمه سیدرضا میرموسایی. نشریه حضور. ش ۲۴.
- ساسان، جعفر (۱۳۹۱). *نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی*. برگرفته از: <http://www.masjed.ir/fa/article/69>
- شجیعی، زهرا (۱۳۷۲). *نخبگان سیاسی ایران*. تهران: پویا.
- قلی‌زاده، علی (۱۳۹۰). *مجموعه مقالات پیرامون مسجد و انقلاب اسلامی*. برگرفته از: <http://dkm.az.ir>
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۷۱). *تاریخ بیداری ایرانیان*. تهران: امیرکبیر.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۸۵). *از خونین شهر تا خرمشهر*. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ویکی‌فقه (۱۳۹۱). *دایره المعارف حوزه*. برگرفته از: <http://www.wikifeqh.ir>
- هالیدی، فرد (۱۳۵۸). *دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران*. ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر.
- درویدیان، محمد و دیگران (۱۳۹۰). *خرم‌شهر در جنگ طولانی*. تهران: نشر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- هانت، لین (۱۳۸۸). *کنش جمعی چارلز تیلی در پیش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی*. ترجمه هاشم آغاجری. تهران - نشر مرکز.
- Tilly, Charles, (1977) *From the mobilization to revolution*. university of michigan press.

